

## جایگاه و شأن خاص و مورد احترام اجتماعی شغل معلمی در دیدگاه اسلامی

حسین وفائی نژاد<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی پیوسته رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی

### چکیده

در هر جامعه ای معلمان دارای نقش مهم و کلیدی در تربیت نیروهای انسانی آن کشور می باشند. در دین اسلام، آیات نورانی قرآن کریم شیوه تعلیم و تربیت اسلامی و جایگاه و عظمت معلمان را به زیبایی هر چه تمام ترسیم کرده است و خداوند متعال را اولین معلم بشر معرفی می کند. و معلمان ثانی همان انبیای الهی هستند که استحقاق، شایستگی، زیندگی و برزندگی این مقام مقدس را دارا می باشند. نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست، هر گونه تحول اساسی در جامعه مستلزم متحول شدن نظام آموزشی آن جامعه است و محور اصلی پیشرفت هر نظام آموزشی کیفیت عملکرد معلمان و جایگاه اجتماعی آنان می باشد. طبیعتاً باید دقیق تر نسبت جایگاه اجتماعی معلمان و انبیاء الهی را مورد بررسی قرار داد. یکی از نیازهای اساسی جامعه این موضوع است که معلمان، متریبان را به سمت اهداف الهی هدایت کنند. این هدایت الهی، نیاز مقدس ایران اسلامی است. قوت گرفتن جایگاه اجتماعی معلمان ایران اسلامی در مرحله اول منوط به احراز صلاحیت و شایستگی معلمان و تربیت نفس و خود سازی آنها می باشد. در مرحله دوم نگرش و رهیافت جهت گیری کلان حاکم بر کلیت نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به عنوان یکی از مهم ترین دستگاه های فرهنگی کشور باید تغییر و تحول مبانی نظری فرهنگ جامعه و انتخاب افراد سالم و مؤثر در نظام تعلیم و تربیت باشد. و در مرحله سوم صدا و سیما به عنوان ابزار ارتباطی مؤثر، منزلت اجتماعی معلمان را به صورت مستمر و هنرمندانه فرهنگ سازی و منعکس کند. با آشنایی اقشار جامعه و مسئولین کشور نسبت به وظیفه خطیر معلمان در امر تعلیم و تربیت، همه آحاد جامعه تمام تلاش خود را برای از بین برداشتن مشکلات مادی و معنوی مجموعه فرهنگیان کشور انجام می دهند، و نتیجه گرانبهای آن تعلیم و تعلم هر چه بهتر و سازنده تر در جامعه می باشد. پس اقشار جامعه، و مسئولین کشور باید نسبت به سکان داران هدایت الهی جامعه نگاه سرمایه گذاری داشته باشند.

**واژه های کلیدی:** معلم، تربیت، شأن و جایگاه خاص اجتماعی، دانش آموز

## مقدمه

معلم و پیرامعلم (مربیان) شامل تمام افرادی است که به نوعی مسئولیت زمینه سازی در نظام تربیت رسمی و عمومی را بر عهده دارند. با عنایت به یافته های فلسفه تربیت و نیز با توجه به معنای تربیت در مطالعات نظری، می توان نقش مربی را در ادامه نقش تربیتی انبیاء و اولیاء الهی، اسوه های امین، راهنمایی بصیر و عالمی توانا دانست که وظیفه هدایت، روشنگری، برنامه ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن، و ترغیب متربیان برای به چالش کشاندن موقعیت های فعلی جهت بسط و توسعه ظرفیت های وجودی را برای کسب شایستگی ها و دستیابی به حیات طیبه بر عهده دارد از آنجا که ارائه خدمات آموزش کافی عادلانه از وظایف حاکمیت می باشد لذا برای انتخاب، آماده سازی و نگهداشت منابع انسانی باید سرمایه گذاری مادی و معنوی مکفی از سوی عوامل سهیم در امر تربیت صورت گیرد. در این فرایند، جایگاه و منزلت اجتماعی مربیان ارتقاء می یابد. و معلم و مربی به منزله نیروی فرهنگی و فکری جامعه و مولد سرمایه اجتماعی - نه به مثابه کارمند اداری در نظام دولتی - منظوری گردد. کرامت انسانی معلمان و مربیان در تمامی مراحل جذب، آماده سازی، حفظ و ارتقاء، و ارزشیابی، از منابع انسانی باید مورد توجه برنامه ریزان و مجریان قرار گرفته و زمینه حفظ شأن و مرتبت آنان را در مقایسه با سایر رده های شغلی در سطح جامعه فراهم نماید. از آنجا که شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که مربیان در آن ایفای نقش و مسئولیت می کنند بسیار متفاوت می باشد، لذا با عنایت به اصل عدالت تربیتی، این تفاوت باید در جذب، آماده سازی، حفظ و ارتقاء و ارزشیابی منابع انسانی، مورد توجه قرار گرفته و در نوع امتیازات، خدمات و امکاناتی که در اختیار آنان قرار می گیرد لحاظ شود. (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

## بیان مسأله

مجموعه آموزش و پرورش حساس ترین دستگاه کشور هستند. مجموعه فرهنگیانی که به شغل مقدس معلمی مشغول هستند، اگر در مسیر درستی گام بردارند، نسلی را پرورش می دهند که این افراد جامعه را به مکانی امن و قابل اطمینان برای زندگی اشخاص حقیقی و حقوقی تبدیل می کنند. وظیفه اصلی تمام انبیا رساندن انسان ها به کمالات مطلوب انسانیت است. با نفوذترین و محبوب ترین فردی که می تواند به هدایت الهی جامعه بپردازد معلم است. مجموعه فرهنگیان کشور برای اینکه مسئولیت الهی خود را به نحو احسن و شایسته ای انجام دهند باید همانند انبیاء الهی در قلب و ذهن و روح مخاطبان خود مطابق با دستورالعمل های نظام آموزشی الهی قرآن کریم نفوذ کنند زیرا معلمی که در جامعه و مدرسه دارای محبوبیت و مقبولیت باشد بهتری تواند از لحاظ تربیتی در ذهن و اندیشه دانش آموزان و اقشار جامعه نفوذ کند. پس رابطه عمیقی بین جایگاه اجتماعی معلمان و انبیاء الهی وجود دارد. بنابراین معلمان در ایران اسلامی از منزلت ویژه ای برخوردار هستند که باید جایگاه اجتماعی مقدس این قشر دلسوز در جامعه تقویت شود. پس به جستجو و گردآوری اطلاعات در این زمینه پرداختن تا بتوانیم راه حلی ارائه دهیم و به سؤالات زیر پاسخ دهیم.

- ۱) منزلت اجتماعی شغل معلمی، در نظام آموزشی الهی قرآن کریم و مکتب تعلیم و تربیت اسلامی چگونه ارزیابی می شود؟
- ۲) منزلت اجتماعی شغل معلمی، از نظر مردم ایران اسلامی چگونه است؟
- ۳) وظایف معلمان در دیگاه اسلامی با توجه به شأن و جایگاه خاص اجتماعی آنان در جامعه چیست؟
- ۴) چه تناسب و ارتباطی میان جایگاه و شأن مورد احترام اجتماعی شغل انبیاء الهی و شغل معلمان وجود دارد؟
- ۵) میزان تأثیر گذاری جایگاه اجتماعی معلم، مدرسه و آموزش و پرورش بر مرتبه ای چگونه ارزیابی می شود؟
- ۶) علت اصلی کم رنگ شدن شأن و منزلت اجتماعی معلمان در ایران چیست و چه راهکارهایی در این باره وجود دارد؟

## روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر کاربردی، از نوع کیفی است که در قالب پژوهش روایی بیان شده است و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است. پژوهش روایی یک راهبرد پژوهشی است که پژوهشگر به کمک آن زندگی افراد یا موضوعی خاص را در جامعه مورد مطالعه قرار می دهد.

## متن

## مفهوم و تعریف تربیت و نحوه شکل گیری آن

مفهوم مد نظر از واژه «تربیت» عبارت است از: فرایندی جامع شامل، تمام تلاش های زمینه ساز تحولات اختیاری و آگاهانه آدمی که به صورت امری واحد و یک پارچه و درهم تنیده، با تحول تمام ابعاد وجودی انسان، به مثابه یک کل، سروکار دارد. بدیهی است که به لحاظ منطقی هیچ یک از بخش های زیرمجموعه این فرایند جامع، نمی توانند درعرض آن تلقی شوند. در پیشینه علمی و فرهنگی ما، از گذشته های دور واژه «تربیت» شامل تمام ابعاد و اجزای فرایندی است که زمینه تحولات اختیاری و آگاهانه آدمی را فراهم می کند. لذا نه تنها به لحاظ گستره مفهومی نیاز به واژه مکملی مانند تعلیم ندارد، بلکه به نظر می رسد استفاده از هر گونه واژه ای در عرض این کلمه به صورت ترکیب عطفی (موهم تقلیل این مفهوم گسترده به بخش هایی از آن و نیز باعث نگرش تفکیکی به این فرایند یک پارچه و درهم تنیده خواهد شد). (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

## تعریف برگزیده تربیت از دیدگاه اسلامی

تربیت عبارت است از: «فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیاراسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد». (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

مفهوم واژه تربیت بر پرورش دادن استعدادهای انسانی یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می کند. این واژه از ریشه (ربو) به معنی زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است. تربیت رفع موانع و ایجاد مقتضیات یعنی اعداداست تا استعدادهای انسان از قوه به فعل درآید و شکوفا شود، و چون در تربیت اسلامی مقصود (کمال مطلق) است، می توانیم تربیت را چنین تعریف کنیم: (تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان درجهت کمال مطلق شکوفا شود). انسان موجودی است با استعدادهای شگفت و گرانقدر، چنانکه از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرموده است: ((الْإِنْسَانُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الْذَهَبِ وَالْفِضَّةِ)). مردم چون معادن طلا و نقره اند. با این تعبیر باید آنچه را که مانع شکوفایی استعدادهای انسان است رفع کرد و زمینه های مساعد را فراهم ساخت تا استعدادهای انسان به فعلیت رسد و انسان متصف به صفات و کمالات الهی شود، و این تحول با اهتمام و کوشش خود انسان میسر می شود. بدین ترتیب تربیت با رفع موانع و ایجاد مقتضیات شکل می گیرد. (دلشادتهرانی؛ ۱۳۹۳).

## مفهوم و تعریف معلم

در نظام های آموزشی و پرورشی جهانی معلم به معنی خاص به کسی اطلاق می شود که واجد ویژگی ها و صلاحیت های مشخص بوده و حرفه و شغل او تعلیم است. (اسدی گرمارودی، ۱۳۹۳). معلم نیز از کلمه علم به دست می آید و در فرهنگ لغت به معنای تعلیم دهنده آموزنده، مدرس، آموزگار و استاد و شیخ آمده است. (حجتی، ۱۳۹۴).

## تعریف جایگاه اجتماعی

در علم جامعه شناسی جایگاه اجتماعی را اینگونه تعریف می کنند: پایگاه به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه های دیگر، احراز می کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای شخص را تعیین و مشخص می کند. (گیدنز، ۱۳۸۷). منظور از منزلت اجتماعی معلمان در این مقاله اولاً میزان نگرش مثبت، احترام و ارزشی است که آحاد جامعه و نظام آموزش الهی تعلیم و تربیت اسلامی از لحاظ مبانی ذهنی برای جایگاه و شخصیت معلمان ایران اسلامی قائل هستند. ثانیاً میزان تاثیر گذاری مثبت و سازنده منزلت اجتماعی معلم، مدرسه و آموزش و پرورش بر متربی می باشد.

**- عظمت و شکوه علم و منزلت اجتماعی شغل معلمی از دیدگاه نظام آموزشی الهی قرآن کریم:**

معنای نخستین علم دانستن در برابر ندانستن است و قرآن کریم به این معنا نیز اشاره دارد که (آن هایی که می دانند با آن هایی که نمی دانند یکسان نیستند). از این دیدگاه به همه ی دانستنی ها، صرف نظر از نوع آن علم اطلاق می شود. اما در نگاه خاص تربه علم، صرفا به دانستنی هایی اطلاق می شود که مبتنی بر تجربه حسی بوده و در این معنا علم در برابر همه دانش هایی قرار می گیرد که آزمون پذیر نیستند. علم به معنای اول با تولد و ظهور بشریت همراه بوده است و همیشه نیز وجود خواهد داشت. اما در معنای دوم در طی مراحل مختلف تاریخی در حال شکل گیری است. خداوند متعال اول معلم بشریت است چرا که در قرآن می فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و پیامبران، فرستادگان الهی، دومین معلم بشریت هستند و این بدان دلیل است که در اصل هدف آفرینش انسان با علم و معرفت پیوند ناگسستنی دارد. در حقیقت معلمان ثانی همانا شاگردان برجسته و برگزیده مکتب حق هستند که بر اساس مشیت الهی به مقام و رتبه معلمی دیگر آحاد بشر رسیده اند. و با رسیدن به چنین مقامی اعتبار و منزلت یافته اند آنان با الهام خداوند و تربیت نفس تا سر حد خلافت معلم اول ارتقاء یافتند. بنابراین خداوند متعال هم معلم عمومی افراد بشر است و هم شاگردان ممتاز و برجسته خصوصی دارد. که شاگردان این تدریس خصوصی همان انبیاء و برگزیدگان درگاهش هستند. (حجتی، ۱۳۹۴).

البته شأن اجتماعی معلمان صرفا با دانستن علوم رسمی ارتقاء نمی یابد. پر واضح است که صرفا اندوختن اصطلاحات، انسان را به مقام عبودیت و سعادت ابدی و حیات طیبه نمی رساند. چه بسا دانشمندان علوم طبیعی و تجربی و حتی حافظان اصطلاحات دینی، که از دسترسی به حقیقت علم محروم مانده اند. مردم یا عالم ربانی اند، یعنی حقیقتا خداشناس شده و مردم را در مسیر خداشناسی تربیت می کنند و یا در مسیر خداشناسی هستند و در غیر این دو صورت از حقیقت انسانیت خارجند، زیرا هدف از خلقت شناختن خدا و بندگی اوست «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» در تفسیر آیه شریفه چنین آمده: «أَيُّ لِيَعْرِفُونِ» کسانی که نه عالم و نه متعلم اند، بی هدف با هر بادی به جهتی می روند و به هرنغمه ای دل می سپارند، اینها از انسانیت بهره ای نبرده اند. (شرفی، ۱۳۹۷).

خداوند متعال از زبان پیامبر اکرم (ص) «إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ» می فرمایند: نخستین دعوت من این است که به جز خدای یگانه را نپرستید و معلم بایستی همه چیزش برای خدا باشد. «فَرَأَى بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» آموزشش برای خدا، تربیتش برای خدا، اعمالش برای خدا، نشستنش برای خدا، سکوتش برای خدا، با توجه به خداست که می شود تربیت الهی کرد. (دادویی در یکننده ای، ۱۳۹۰).

در آیات قرآن کریم اینگونه بیان شده است که در جمع بندگان الهی فقط علماء و مربیان الهی هستند که خداشناس اند، و ترس و بیم از او حس تقوی و پرهیزکاری در دل آنها راه دارد. خداوند متعال دانشمندان را برتر و بالاتر از همه رده های دیگر جامعه های انسانی معرفی فرموده، و آنان را در تارک تمام طبقات مردم قرار داده است، و امتیاز و ویژگی آنان را نسبت به سایر افراد، چنین بازگو می فرماید: آیا آنان که با سلاح علم مجهزند و افرادی که با جهل و نادانی دست به گریبان اند با هم برابرند؟ آیا می توان این دو دسته را در یک رده قرار داده و با یک دید به آن نگریست؟ (حجتی، ۱۳۹۴).

**- جایگاه معلمی در مکتب تعلیم و تربیت اسلامی:**

(از امام صادق علیه السلام روایت شده است که (امیرالمؤمنین علی) علیه السلام فرمود: یکی از حقوق عالم و دانشمند بر تو، این است که زیاده از حد، از او پرسش نکنی و دست به دامن او نگردی. اگر بر مجلس عالم و دانشمند وارد شدی و ملاحظه کردی که گروهی از مردم نزد او به سر می برند بر همه آنها سلام کن، و سلام و درود ویژه خود را به آن عالم و دانشمند تقدیم نما. برای نشستن، جایگاهی را رو به روی او در برابرش انتخاب کن و پشت سر او منشین. با گوشه چشم و چشمک زدن و یا بادت خود و در محضر عالم، و در حضور او اشاره مکن. و در مقام ستیز و مخالفت با سخن او، پی هم مگو که فلانی چنین گفت، فلانی چنان گفت. از طول مصاحبت و همنشینی با عالم و دانشمند، ملول و دلتنگ مشو. مثل و داستان دانشمند، مثل خرما بن است. باید در انتظار آن به سربری تا چه هنگامی رطبی از شجره سخنان او بر تو فرو افتد و شهد آن، کام تورا شیرین

سازد. عالم و دانشمند از نظر اجر و پاداش از روزه دار و سحرخیز و شب زنده دار، و جنگجوی در راه خدا، دارای بهره فرونتری است. (حجتی، ۱۳۹۴).

میزان احترام به جایگاه و شخصیت خاص اجتماعی معلم در روند هدایت جامعه بسیار تأثیر گذار است. هرچه جایگاه اجتماعی معلم بالاتر باشد، تأثیرگذاری او بیشتر خواهد بود، لذا قرآن کریم به زنان پیامبر اکرم که از موقعیت اجتماعی و مذهبی بالایی برخوردار بودند می فرماید (ای زنان پیامبر! حساب شما از سایر زنان جداست. اگر هریک از شما خلافی انجام دهد، دو برابر دیگران کیفر خواهد دید؛ همانگونه که هریک از شما که در برابر خداوند تعالی و پیامبرش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، از پاداش دو برابر برخوردار خواهد بود). (قرائتی، ۱۳۹۷).

بنابراین اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می کند. و می گوید: (اب علمک) یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر، رعایت می شود. باید در حق معلم به صورت کامل تری رعایت گردد نام معلم چنان با عظمت است که در جای جای متون اسلامی و قرآن کریم از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده و پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «أَمَّا بَعْثُ مَعْلَمًا» همچنین امام خمینی (ره) می فرماید: معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله انبیاء و آیات و حیانی مردم را دعوت می کند به نورانیت، دعوت می کند به کمال، دعوت می کند به عشق، دعوت می کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. به دنبال او انبیاء هستند که همان مکتب الهی را نشر می دهند و آنها هم شغل شان تعلیم است. معلم اند، معلم بشوند، آن ها هم شغل شان این است که معلم را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد. مقام معلم مقام والایی است، مقامی است که بالاتر از مقام معلم نیست و چنین است که وارثان انبیاء شمرده می شوند. امام صادق (ع) فرموده اند: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»، یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند. معلم شمع سوز و فروزان هدایت است که نورش بر اساس حدیث مشهور «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ»، از منبع اصلی نور یعنی خدا دریافت داشته و برای نورافشانی قلوب و بینا نمودن آن ها به منظور هدایت در طرح مستقیم و رسیدن به قرب الهی که مقصد نهایی انسان است، تلاش می کند، معلم راهبر دل ها به قله های کمال و سعادت است معلم به مثابه باغبانی دلسوز است که بذر ایمان می افشاند و گل تقوا می پروراند. جایگاه و شأن معلم و استاد تا بدان جاست که رسول الله (ص) در کلامی به امام علی (ع) فرموده اند: (یا علی اگر فرد به وسیله تو و به مدد الهی طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد پر ارزش تر و بهتر از آن است که مالک شتران سرخ موی فراوان باشی). معلمین مایه ی حرکت و برکت جامعه هستند. و امام علی علیه السلام فرموده است: (دانشمندان تا پایان جهان زنده اند، شخص آن ها در میان نیست اما آثارشان در قلب ها موجود است. و چنین است که علما به مقام شفاعت می رسند). رسول الله (ص) فرموده اند: (قیامت نخست انبیاء شفاعت می کنند، سپس علما و بعد از آن ها شهیدان، و چنین است که از خدا می ترسند و به مقام عالی خشیت می رسند). یعنی تنها دانشمندان هستند که از خدا می ترسند و خشیت یعنی ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار و این حالت خشیت مولود سیر در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پروردگار و هدف آفرینش است. بنابراین در قرآن کریم و نظام تعلیم و تربیت اسلامی معلم مسئول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می آید و مسئول تمام انسان هایی است که زیر دست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خود سازی کند و تهذیب نفس نماید و حاکم بر خود باشد افراد یک جامعه صالح و صالحه خواهند بود و اگر خدای ناخواسته معلم تربیت دینی نداشته باشد سبب انحراف نسل ها و عصر ها می گردد و جامعه ای را به خرابی می کشاند و این موضوع حکایت گر جایگاه خطیرو بسیار مهم معلم و مربی است. امام باقر (ع) فرموده اند: ((عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ)) (دانشمندی که از علمش سود برند از هفتاد هزار عابد بهتر است). (دادویی در یکنده ای، ۱۳۹۰).

#### - جایگاه اجتماعی شغل معلمی در نگاه مردم جامعه:

در واقع مرد یا زن، اعم از با سواد یا بی سواد، کودک و نوجوان و جوان، صاحبان مشاغل ساده تا مشاغل پیچیده، مقام های کشوری و لشکری و به طور کلی همه مردم در هر جا صحبت از معلم باشد، حرف هایی برای گفتن دارند که همواره به خاطرات آنها از ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با معلم بستگی دارد. تا آنجا که تاریخ مکتوب نشان میدهد، مقام و منزلت معلم

در مقایسه با سایر افراد چشمگیر بوده، زیرا جامعه آنها را در ردیف بزرگترین خدمتگزاران قرار داده یا بعدها چنین مرتبه ای برای آنها قائل شده است. اگر این اشارات را به جامعه ی خودمان محدود کنیم و از میان صدها متفکر ایرانی فقط دونفر را نام ببریم، می توان اندیشه های ابوعلی سینا را به یاد آورد که می گوید: علم نه فقط منتقل کننده ی دانش و واقعیات به شاگردان است بلکه آنها را با ارزش ها و اندیشه های اعتقادی خویش و نیز با رفتارها و خصایلی که مطلوب جامعه است، آشنا می سازد و به همین دلیل نقشی ارزشمند ایفا می کند. ابونصر فارابی براین عقیده است که معلم باید دارای منش خوب، آزاد از میل و هوس و فقط در جستجوی حقیقت باشد، تا بتواند جامعه را به خیر و صالح هدایت کند. می توان گفت: در ادوار گذشته، معلم، سیمایی متمایز از دیگر شهروندان داشته، تا جایی که حتی پیامبران الهی به معلم بودن خود مباهات می کرده اند. (پروین سالاری، موحده محمدرضایی ۱۳۹۴)

## - وظایف معلمان در دیدگاه اسلامی با توجه به شأن و جایگاه خاص اجتماعی آنان در جامعه:

### ۱- اخلاص و پاکسازی نیت

نخستین آداب و آئین های مربوط به معلمی در امر تعلیم و تعلم (که باید به عنوان یک امر ضروری و قطعی مورد توجه قرارگیرد این است که معلم در پویائی از علم و یا بذل و اعطاء آن به دیگران، دارای خلوص نیت باشد) یعنی معلم باید در مسیرتعلیم و تعلم در جهت هدفی الهی و انسانی گام بردارد، و هیچگونه شوائب انتفاعی و مادی را با این هدف الهی نیامیزد، زیرا محور و کانون ارزش علم و رفتار هر کسی بر قصد و نیت است که اعمال و رفتار انسان گاهی همچون سفال و کوزه شکسته ای فاقد ارزش و اعتبار می شود. گاهی نیز همین اعمال و رفتار در ظل نیت و جهت یابی، و هدف گیری درست و الهی، همانند گوهی گرانبها آنچنان دارای ارزش و اعتبار می گردد که نمی توان آنرا به علت گرانبیایی ارزیابی کرد. و گاهی نیز همین اعمال و رفتار، به خاطر هدف گیری های نادرست و غیرانسانی به صورت وزر و وبالی بر دوش انسان سنگینی کرده، و برکه های جرم و گناه فزون تری بر صفحات پرونده اعمال سیاه او اضافه خواهد نمود، اگر چه این اعمال به صورت اعمال واجب و تکالیف حتمی الاجراء او باشد. بنابراین لازم است که معلم در اعمال و کوشش های خود صرفاً خدا و طاعت از فرمان او و پیراستن خویش از رذائل و ارشاد بندگان خدا به حقایق دین را منظور نهائی خود قراردهد. معلم نباید در انجام وظایف خویش، هدف دیگری را در قصد و نیت خود راه دهد، یعنی نباید اغراض و هدف های دنیایی و نادرست و کم ارزشی را که موجب لذت و خواری و فرومایگی او نزد خدا، و باعث خشم او، و از دست دادن سعادت و نیک بختی جاوید سرای پسین، و محرومیت از اجر و پاداش دائمی می گردد. درمد نظر گیرد. (حجتی، ۱۳۹۴).

### ۲- تواضع در مقابل عظمت خدای تعالی

انسان هر قدر عظمت و جلال و جبروت خدای تعالی را درک کند، بیشتر به فقر و کوچکی خود پی می برد و می فهمد که نباید خود را بزرگ ببیند، زیرا بزرگی و ارزش کسی که عظمت خدا را درک کرده، در تواضع و فروتنی در برابر اوست، و در میان بندگان خدا خاشعان کسانی هستند. که عظمت او را درک کرده اند: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» از میان بندگان خدا تنها مردم دانا خدا ترس و خاشع اند. امام سجاده علیه السلام در معرفی علمای راستین و پیروان آنها می فرماید: (و به تحقیق، صاحبان علم و پیروان آنها کسانی هستند که شناختند و از روی آگاهی برای او عمل نمودند و به او رغبت داشتند)، خداوند متعال می فرماید: (از میان بندگان خدا تنها مردم دانا خدا ترس و خاشع اند). (شرفی، ۱۳۹۷). یک عالم نباید تعصب داشته باشد، نباید جمود داشته باشد، نباید تجزّم داشته باشد، که هر چه من تشخیص دادم لیس آلا و فقط همین است. یک عالم نباید غرور داشته باشد و خیال کند آنچه که او دارد تمام علم همان است، بلکه باید به اصل «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» مخصوصاً توجه داشته باشد. که آنچه ما از حقیقت می دانیم بسیار کم است. نتیجه این است که آنکه روح علمی دارد، از دلیل به مدعا می رود. (مطهری، ۱۳۷۵).

### ۳- رعایت مساوات در التفات و محبت به شاگردان

معلم نباید در اظهار محبت و توجه و التفات به شاگردان در صورتی که از لحاظ سن و فضیلت و دینداری، تقریباً با هم برابری دارند، تبعیض و تفاوتی را معمول داشته و بدان تظاهر نماید، زیرا اظهار تبعیض و عدم رعایت مساوات در محبت و توجه به آنها باوجود تساوی آنها از یکدیگر می گردد. لکن اگر بعضی از شاگردان از لحاظ طرز تحصیل و سعی و کوشش و حسن ادب و نزاکت بر دیگران مزیت داشته باشند، چنانچه معلم از آنها احترام خاصی به عمل آورد، و این احترام را اظهار نماید و آنان را از لحاظ محبت و تفقد، بر دیگران ترجیح دهد و ضمناً یادآور گردد که علت احترام زیاد و تقدیر ویژه او، به خاطر همین مزایا و موجبات است، در این صورت، اظهار تبعیض و تفاوت میان شاگردان مانعی ندارد و می تواند توجه و التفات ویژه ای را درباره آنها مبذول دارد، زیرا تقدیر و احترام به شاگردان کوشا و با نزاکت، عامل مؤثری در ایجاد تحرک و شادابی آنها بوده، و انگیزه مفیدی است که آنان و نیز سایر شاگردان را وادار می سازد تا در اتصاف به چنین صفات مطلوب و امتیازآفرین، سعی و کوشش نمایند. (حجتی، ۱۳۹۴).

### ۴- استفاده از بهترین قواعد و روش تدریس و تفهیم

معلم باید در تدریس خود، راه و روشی را جستجو و انتخاب کند که از رهگذر آن، درس وی با آسان ترین وجه، قابل فهم گردد. او باید حتی الامکان از خوش ترین و دلچسب ترین واژه ها و تعابیر، توأم با بیانی آرام و بلیغ و روشن و روشنگر، به منظور تفهیم شاگردان استفاده کند. مطالبی را که از نظر زیرسازی و اهمیت، در درجه اول قرار دارد بر سایر مطالب، مقدم داشته، و مطالب روبنائی را در پی مسائل زیربنائی ایراد کند. در ترتیب مقدمات و زمینه سازی مطالب، تنظیم مسائل بنیادی را برای تحقیق و بررسی موضوع بحث، رعایت کند. آنگاه که باید جمله و عبارتی را قطع و وقف نماید، اندکی سکوت کند. و آنگاه که جمله ها با هم پیوند و ارتباط دارند پیوستگی کلام و سخن خود را رعایت نماید. در صورتی که همه حاضران جلسه درس و یا برخی از آنها نیازمند به تکرار مشکلات مربوط به محتوی و یا الفاظ و تعابیر درس بودند، استاد از تکرار توضیح مربوط به آن دریغ نرزد، بلکه باید گزارش آنها را اعاده نماید. و آنگاه که بسط و توضیح مسأله ای را به پایان رساند، اندکی سکوت و درنگ کند تا اگر کسی ایراد و سخنی بر آن مطلب داشت آن را در میان گذارد. (حجتی، ۱۳۹۴).

### ۵- تعلیم و آموزش

امام علی علیه السلام در دستورالعملی که برای فرماندار مکه می نویسد می فرماید: در اقامه حج و انجام مناسک، مردم را راهنمایی کن و ایام الله را به آنها یادآوری نما و صبح و عصر که در سرزمین حجاز وقت مناسبی برای مراجعات است، به امور مردم رسیدگی نما و پرسش آنها را، پاسخ ده و به آموزش آنها بپرداز و با دانشمندان مذاکره نما. (شرفی، ۱۳۹۷). در تعلیم و آموزش مهم ترین رکن آن انتخاب محتوای سودمند است. وظیفه معلم در انتخاب محتوا، بهره گیری از محتوای سازنده و مفید است. چه مدارس زیبا و با امکانات و تجهیزات و چه هزینه های سنگین و ظاهرسازی های غلط اندازی که از محتوای مفید تهی است. معلمان با هدف و دلسوزی که به رشد خود و رشد مخاطبان خود فکری کنند، موظف به شناخت علم مفیدند و راه شناخت آن، این است که بدانیم ثمره علم، عبادت است (قرائتی، ۱۳۹۷).

### ۶- عملی بودن درس ها

درس عملی عمیق تر از درس غیرعملی است. متأسفانه ما از زبان خود و گوش مردم خیلی انتظار داریم و این غلط است. به قول شاعر، (دو صد گفته، چون نیم کردار نیست). امام صادق (ع) فرمودند: (با غیر زبان خود مردم را دعوت نمایند). شاگردان و اطرافیان ما قبل از آنکه به حرف های ما توجه کنند، به رفتار ما توجه، و از آن تأسی میکنند. لذا دعوت معلم باید عملی باشد؛ یعنی قبل از اینکه مردم را به انجام کارهای خوب دستور دهد، خودش آن اعمال را انجام دهد و قبل از نهی مردم از اعمال زشت و ناروای، خودش آن اعمال را ترک کند. معلم موفق، امام و رهبر و الگوی دیگران است لذا اعمال او بسیار تأثیرگذار است و باید در همه کارها پیشگام باشد و قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازد. چنانکه امیرالمؤمنین علیه اسلام فرمودند: (بر هر کس که خود



را امام و پیشوا قرار داده، لازم است که قبل از تعلیم دیگران، خودرا آموزش بدهد و تأدیب او به رفتارش باشد؛ قبل از آنکه به زبانش باشد. (قرائتی، ۱۳۹۷).

#### ۷- شهامت در گفتن «نمیدانم»

یکی از کارهای خوب معلم و مربی، بلکه هر انسانی، آن است که اگر چیزی را نمی داند، باکمال صراحت و صداقت بگوید: «نمیدانم»؛ همانگونه که فرشتگان به خدا گفتند: ((لَا عَلِمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا)) «ما چیزی جز آنچه تو به ما آموخته ای نمی دانیم». معلم صداقت خود را با «نمیدانم» به رخ میکشد و همین کار، ضمن جلب اعتماد مخاطبان، او را در نگاه آنها محبوب میکند؛ چراکه با جواب بی اساس و حرف بی دلیل، ذهن آنها را آشفته نمیکند و سلامت محیط آموزشی را بالا می برد. اینکه کسی ندانسته جواب بدهد، نشانه جهالت اوست؛ اما اینکه به راحتی و راستی بگوید: «نمیدانم»، نشانه برخورداری او از نصف علم است؛ چراکه علی فرمود: «قَوْلُ لَا أَعْلَمُ نَصَافُ الْعِلْمِ» گفتنِ نمیدانم نصف علم است. (قرائتی، ۱۳۹۷).

#### ۸- توجه به رشد جامع

استاد و مربی، تنها مسئول توسعه و رشد علمی مخاطب یا رشد جسمی و تربیت بدنی او یا جمع آوری نظرات دانشمندان شرق و غرب در زمینه های مختلف نیستند؛ بلکه باید رشد جامعه مخاطب را مدنظر داشته باشند. یعنی اگر به علم او می افزایند، بصیرت او را هم ارتقا دهند؛ اگر به مدرک و درس او فکر می کنند، به قدرت تشخیص و بینش و موضع گیری های سیاسی او نیز بیفزایند. قرآن که «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ» است به انسان رشد جامع میدهد؛ اگر به نماز دعوت میکند، به برائت از مشرکین هم دعوت میکند؛ اگر به تقوی دعوت میکند، به رسیدگی به فقرا هم دعوت می کند. استاد و معلم نیز باید به رشد جامع فکر کنند؛ اگر بچه ها را به آزمایش می برند و آموزش میدهند، از بچه ها تقاضا کنند مبالغی را با اجازه والدین خود جمع آوری کنند با طرحی آبرومند به دانش آموزان نیازمند بدهند. استاد باید باور کند و به شاگردان خود بیاموزد که هم باید از پیشرفت های علمای و تجارب دیگر کشورها استفاده کرد و هم به صورت جدی مراقب بیگانگان باود و فریاب آنان را نخورد. (قرائتی، ۱۳۹۷).

#### ۹- احترام به شخصیت دانش آموز

در خصوص رابطه معلم و شاگرد در محیط مدرسه، بر نقش محوری و حساس معلم تأکید زیادی می شود. با اینکه متعلم نابالغ است و در صدد تحصیل بینشی است که فرهنگ میتواند برای او تأمین کند، این امر به آن معنی نیست که معلم در شخصیت او تصرف کند. دانش آموز تلاش می کند تا چشم انداز معقولی به درون شخصیت خویش به دست آورد همانند همه انسان های دیگر، ماهیت و شخصیت روحانی متعلم دارای ارزش والایی است. به این ترتیب، معلم باید برای متعلم احترام قائل شود و او را یاری دهد تا به تحقق کامل ترین حد شخصیت خویش نائل آید. (گوتک، ۱۳۹۵).

#### ۱۰- تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یک معلم وظیفه شناس

امام علی علیه السلام فرمودند: (و اگر نبود عهد و مسؤولیتی که خداوند از علما و دانشمندان هر جامعه گرفته که در برابر سیری و شکم خوارگی ستمکاران و گرسنگی ستم دیدگان سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها کرده بر کوهان آن می انداختم و از آن صرف نظر می کردم). یکی از مهم ترین مسؤولیت های معلمان، علما و دانشمندان جامعه، مبارزه با بی عدالتی و تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی می باشد. «كُظْلُ ظَالِمٍ وَ سَعْبُ مَظْلُومٍ» کنایه از شدت ظلم ستمگران و مظلومیت ستم دیدگان است. عدالت اجتماعی محدود به بعد اقتصادی آن نمی شود، اگرچه یکی از مظاهر آن در بعد اقتصادی است. از تعالیم دین اسلام، ارزش دادن به تقوا و از بین بردن تمام ملاک های باطل ارزش گذاری است. علاوه بر این قوانین و مقررات جامعه اسلامی در مسیر تعدیل جامعه و کم کردن فاصله هایی است که بین افراد جامعه به ناحق به وجود آمده است. مربیان و علمای راستین که پیرو پیامبر صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام هستند باید با ضعف و مستمندان همنشین باشند، تا دردها و مشکلات آنها را از نزدیک لمس نموده و در صدد بر طرف کردن آن باشند، اما اگر دانشمندان و علمای مذهب تنها با طبقه خاص مرفهان و



مترفان آمد و شد داشته باشند، هرگز درک صحیحی از وضعیت مستمندان نخواهند داشت و چه بسا دانش خود را در توجیه بی‌عدالتی‌ها به کار گیرند. (شرفی، ۱۳۹۷).

### - مقایسه جایگاه و شأن اجتماعی شغل معلمان با شغل انبیاء الهی:

تربیت کار خداست در قرآن کریم، بعد از نام مبارک «الله»، بیشترین نامی که برای خدا به کاررفته، «رب» است. ناگفته پیداست که «ربوبیت» زمانی کامل است که بر اساس علم، حکمت، مصالحت و رحمت باشد، که خداوند همه را دارد. معلم، تنها علم خود را منتقل نمی‌کند، بلکه می‌تواند همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل کند، آن زمان که شاگرد به یأس گرایش پیدا میکند، روح امید را در او بدمد و آن هنگام که شاگرد به غرور گرایش پیدا میکند، او را هشدار دهد. همان گونه که خداوند متعال در مسیر تربیت مردم، با منطق و برهان، احساس و عاطفه، مثال و تشبیه، تاریخ و داستان، بیان الگوهای مثبت و منفی، هنر و اخلاق و نیز وعده و تهدید، مردم را تربیت می‌کند، معلم و استاد نیز باید از همه این ابزارها بهره‌مند باشند. هرچه بهره‌آنها از این ابزار بیشتر باشد، توفیقات آنها نیز بیشتر خواهد شد. اتصال معلم و استاد و مربی به خداوند متعال، نقش مهمی در انجام مسئولیت آنها که همانا ارشاد و هدایت مردم است دارد، لذا از عالم دینی به «عالم ربانی» تعبیر می‌شود، یعنی عالمی که سر و کارش با پروردگار است، در راه خدا و برای خدا و با اسلوب و اخلاق خداپسندانه تعالی می‌دهد، از خداوند متعال صفت ربوبیت را می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند. (قرائتی، ۱۳۹۷).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: معلمی شریف‌ترین شغلها و پر مسئولیت‌ترین شغلهاست. شریف‌ترین شغلهاست، برای اینکه شغل انسان سازی است؛ همان شغلی است که تمام انبیا برای همین معنا آمدند. قرآن یک کتاب انسان سازی است، و نازل شده است برای اینکه انسان درست کند. و این شغلی که فرهنگها دارند چه فرهنگهای علوم قدیمه و چه فرهنگهای سایر علوم، این شغل هم شغل آدم سازی است. اگر ما آدم بسازیم، مملکت ما نجات پیدا می‌کند. همیشه آدم‌ها هستند که مقدرات کشورها را در دست می‌گیرند. منتها بعضی‌ها آدم‌های به صورت آدم و واقع شیطان، و بعضی‌ها آدم. و همیشه از فرهنگ، این اشخاص بزرگ قیام می‌کنند. اشخاصی که ملت‌ها را می‌توانند نجات بدهند و کشور را می‌توانند آباد کنند و دنیا و آخرت ملت را می‌توانند تعمیر کنند فرهنگها هستند. پس فرهنگ یک کارخانه آدم سازی است، چنانکه انبیا هم برای همین معنا آمدند آدم درست کنند. (عباس پورجانی، محمدرضا طالبان، روح‌الله خمینی (ره)، ۱۳۸۶).

از اول این بود «آدم» که آمد، با تعلیم الهی آمد و معلم بشر بود. انبیاء هم معلم بشر بودند. شغل معلمی یک شغل عمومی است برای انبیا گرفته، تا اولیا تا فلاسفه و امام، تا علما و تا فرهنگها، پس شغل، شغل بسیار بزرگی است شغل آدم سازی است. دیگر شغلها به این درجه نمی‌رسند، برای اینکه آنها مربوط به جهات دیگر است. در عالم هیچ موجودی به پایه انسان نمی‌رسد، و هیچ شغلی به پایه انسان سازی نمی‌رسد. پس شغل بسیار بزرگ است، بسیار شریف است. (عباس پورجانی، محمدرضا طالبان، روح‌الله خمینی (ره)، ۱۳۸۶).

با قاطعیت می‌توان گفت که معلمی فراتر از همه کارها و سرآمد همه شغلهاست. معلم نیاز به حقوق و تأمین نیازهای زندگی دارد، اما هیچگاه به کار مهمش از دریچه مادیات نمی‌نگرد. کار معلم، تعلیم و تربیت است، تعلیم و تربیتی که کار خدای تعالی و پیامبران اوست. اساساً عالم با همه پیچیدگی‌ها، تنوعات، زیبایی‌ها، نعمت‌ها و ابتلائاتش برای تربیت انسان خلق شده است. آری! زمین، مرکز آموزش و پرورش خداست؛ با پیامبرانی که معلمان آسمانی‌اند و مسئولیت تربیت انسان را بر دوش دارند. معلمی، انتقال علم و تجربه، انقاد غریق و کلید عزت، بصیرت و مصونیت است. معلمی، شغل خدا و جبرئیل است، چنانکه در سوره الاحقاف می‌خوانیم: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» «خدای رحمان قرآن را یاد داد.» در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون معلم، مربی یا پدر یاد شده است. در خصوص جایگاه ممتاز معلمان و ارزش آنان نزد معصومین روایات فراوانی موجود است. از جمله رسول خداوند فرمودند: (بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.) همچنین امام باقر فرمود: (تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم دهنده امور نیک استغفار میکنند.) (قرائتی، ۱۳۹۷).

**- تاثیرگذاری جایگاه اجتماعی آموزش و پرورش بر مربی به عنوان الگو در تربیت:**

جامعه را می توان از طریق آموزش و پرورش و سرمشق تغییر داد. اون باور داشت اصلاحات اجتماعی را می توان بدون هیچ خشونت‌تی تحقق بخشید، همچنین عقیده داشت که وقتی مردم از راه تعلیم و تربیت به بی عدالتی نظام کمن پی ببرند، بی درنگ جامعه انسانی مورد نظر وی را جانشین آن خواهند ساخت. این نظریه اون موجب شد مارکس و انگلیس اونیسم را به عنوان سوسیالیسم آرمانگرایانه که با رویکردی ساده لوحانه در تبادل مبارزه طبقاتی موجب فریب طبقه کارگر و دورافتادن آنان از نقش انقلابی راستین شان میگردد محکوم بدانند. علوم اجتماعی از این تز سرچشمه می‌گرفت که منش انسانی بر مهندسی و کنترل اجتماعی مبتنی است مشتق می شد. اون معتقد بود که عالم اجتماع با سلاح قوانین شکل اجتماعی و توسعه انسانی می تواند محیط نظام یافته ای ایجاد کند که ساکنان آن طبق طرح و نقشه اجتماعی نشو و نما داده شوند. چون مهندس اجتماعی روشی برای پروراندن انسان جدیدی است که در نظام اخلاقی جدید عضویت خواهد داشت. اون خود را مثل یک سرمهندس «دنیای اخلاقی نوین» را ابداع میکند، می دید. وی تعلیم و تربیت را در مفهوم وسیع آن شامل نوعی از فرهنگ پذیری می دانست که طی آن شخصیت انسانها کاملاً توسط زندگی اجتماعی شکل می گیرد و درس گفتارها و کنسرتها و روزنامه ها و شرایط کاری جامعه همگی دست اندرکار شکل دهی منش انسانند. اون آموزش و پرورش را به طور جدایی ناپذیری با جامعه مرتبط می بیند و استدلال کاملاً متجددانه ای مبتنی بر اینکه شهرهای نمونه مردان و زنان نمونه بار می آورند و همچنین معتقد بود که محیط های فاسد، منحط و آلوده و انسان های خودپسند و بیمار و تنبل بار می آورند. و بر عکس محیط های اجتماعی تمیز، مولد و یکپارچه با کنش های هماهنگ می آفرینند. (نظریه اجتماعی اون، گوتک ۱۳۹۵).

**• معلم کار پنج گروه از مهندسان را می کند**

ماشینی که سوارش می شویم، نتیجه کار پنج گروه از مهندسان است:

- مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند،
  - مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند،
  - مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند،
  - مهندسانی که مسئول قطعه سازی و طراحی قطعات ماشین هستند،
  - مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند،
- اما یک معلم باید به تنهایی، کار این پنج گروه را روی انسان ها انجام دهد:
- استعدادهای شاگردش را کشف کند،
  - شاگرد را از انحراف هایی که به آن گرفتار شده است، خارج کند،
  - با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه مند کند،
  - با تدریس و تعلیم و تربیت، شاگرد را بسازد،
  - با سعه صدر، تربیت شدگان را به هم متصل کند و جامعه را تشکیل دهد.

بنابراین، معلم یک تنه باید کار پنج گروه مهندس را انجام دهد، آن هم نه بر روی جمادات، بلکه بر روی «انسان» که صاحب روح است و کار با او، ظرافت و دقت خاصی را می طلبد. این، بیانگر ذره ای از کار مهم و پیچیده معلمی است. (قرائتی، ۱۳۹۷).

اگر فرض کنید در یک اداره ای یک نفر آدم یک خلاف کرد، در یک وزارتخانه یک نفر آدم یک خلاف کرد، آن خلافی که در یک وزارتخانه می شود یا یک اداره می شود با این خلافی که در جاهایی که تربیت و تعلیم باید واقع بشود و در آموزش و پرورش می شود، بسیار فرق دارد. آنطور نیست که در یک وزارتخانه اگر یک کسی خلاف کرد، خلافتش همچو باشد که یک کشور را به هم بزند، مگر نادراً یک همچو اتفاقی بیفتد. اما چنانچه در آموزش و پرورش یک بچه ای فاسد از کار درآمد، یک بچه ای با اخلاق شیطانی تربیت شد، با اخلاق استکباری تربیت شد، این بچه با اخلاق شیطانی، با اخلاق استکباری، امکان این را دارد که یک کشور را تباه کند، و یک انسان های زیاد را تباه کند. و در تماشای شما که مشغول این شغل عظیم هستید، در تمام آنها، هم در خوبی هایشان و هم در بدی هایشان، شریک هستید. گاهی شریک جرمید، و گاهی شریک یک نورانیتی که

شما ایجاد کردید. باید خیلی توجه شما داشته باشید که شماها یک مردم عادی نیستید. شماها معلّم نسلی هستید که در آتیه همهّ مُقدّرات کشور به آن نسل سپرده می شود. شما امانتدار یک همچو نسلی هستید. تربیت شما و تعلیم شما باید همراه هم باشد. فقط این وظیفه برای معلّم علوم دینی نیست. این وظیفه است برای تمام معلمین در هر رشته که هستند و تمام اساتید دانشگاه در هر رشته ای هستند، شما اگر بتوانید این بچه ها را تربیت کنید به طوری که از اول بار بیایند به اینکه خداخواه باشند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه ها تزریق کنید، و بچه ها زود قبول می کنند امر را، اگر عبودیت خدا را به این ها تربیت الهی را و آنکه هر چه هست از اوست به اینها القا کنید، و آنها بپذیرند، خدمت کردید به این جامعه، بعدها دست رنج های شما ارزشمند خواهند شد. و اگر خدای نخواست بر خلاف این باشد به این امانت، خدای نخواست هر کس کرده باشد خیانت کرده است. و این غیر از همهّ خیانت هاست. خیانت به انسان است، خیانت به اسلام است؛ خیانت به عبودیت الله است. (عباس پورجانی، محمدرضا طالبان، روح الله خمینی (ره)، ۱۳۸۶).

### -تاثیرگذاری جایگاه اجتماعی مدرسه بر تربی به عنوان الگو در تربیت:

شقاوت ملتها از مدرسه هاست لکن برای فرهنگها مسئولیت بسیار هست. هر چه شغل عظیم باشد، مسئولیت به همان مقدار بزرگ و عظیم است. مسئول تمام مقدراتی که برای یک کشوری پیش می آید، مسئول تمام انسان هایی که باید انسان بشوند، مسئول تمام جوان هایی که زیر دست آنها باید تربیت بشوند. تربیت باید بشود انسان در مکتب فرهنگیان، معلم، و مقدرات هر مملکتی به دست همینهاست که از فرهنگ بیرون می آیند، و پیشرفت هر کشوری و عقب ماندگی هر کشوری باز به دست معلمین است. معلم است که با ساختن خود، افراد را، کشور را پیش می برد، و معلم است که اگر خدای نخواست در پیش او انحراف حاصل بشود، کشور را خراب می کند. معلم است که انسان ها را یا مهذب بار می آورد، متعهد بار می آورد، و یا انگل بار می آورد و وابسته. همه از مدرسه ها بلند می شود. همهّ سعادت ها و همهّ شقاوت ها انگیزش از مدرسه هاست. (صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۷، ص: ۴۲۹-۴۲۷)

مدرسه و به بیان کلی تر محیط تعلیم و تربیت، همچون خانواده از مهمترین عوامل مؤثر در تربیت است، زیرا به سبب الگوطلبی و الگوپذیری آدمی که ریشه در فطرتش دارد تأثیر عناصر گوناگون مدرسه و تعلیم و تربیت بر انسان بسیار زیاد است. نقش معلم و مربی در شکل گیری شخصیت انسان و ساختار روحی و رفتاری او نقشی کلیدی است، به گونه ای که متعلم و مربی ممکن است در تمام حرکات و سکنات خود تحت تأثیر قرار گیرد و همه چیز خود را از معلم و مربی نمونه برداری کند. این مدرسه از چنان اهمیت تربیتی برخوردار است که خدای متعال با آن بر مؤمنان منت نهاده است، که هیچ چیز با آن قابل قیاس نیست. ((لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ)) به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیاتش را بر ایشان بخوانند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. پیامبر اکرم (ص) رسالت خود را رسالت تعلیم و تربیت می دانست و می فرمود: ((بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ))، برای تعلیم فرستاده شده ام و رسالت من تعلیم است. این همه به خاطر تأثیر شگفتی است که تعلیم و تربیت بر انسان دارد. ابوالحسن ندوی در این باره می نویسد: من امانتی مسئولیت آفرین تر و پرخطرتر و مؤثرتر در آینده یک امت و زندگی آن از امر تعلیم و تربیت نمی شناسم. لذا گاهی یک لغزش تربیتی امتی را به یکباره در آتشی سوزان سقوط می دهد و گاهی در اثر بی دقتی به راهی می رود که جز اضمحلال، از هم پاشیدگی، بی بند و باری در اخلاق، اجتماع، سیاست، تعلیم، بی دینی و الحاد راهی نخواهد داشت، به همان گونه که تربیت صحیح می تواند به تنهایی عقول و ارواح را در جهت صلاح و سداد هدایت کند، نسلی زنده و پویا به بار آورد و امت را به آینده ای درخشان بشارت دهد. بنابراین محیط مدرسه از جمله مهمترین عوامل مؤثر در تربیت به نحو اقتضا است که می تواند، استعدادهای آدمیان را در جهت مثبت و منفی سامان دهد و اشخاص عالم، عاقل، متفکر، مهذب، موحد، عدالت جو، فداکار و یا خلاف اینها را تحویل جامعه دهد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳).

**- تاثیر گذاری شخصیت و جایگاه اجتماعی معلم بر متربی به عنوان الگو در تربیت:**

متربیان و دانش آموزان ما چنان به الگوهای خود وابستگی روحی پیدا می کنند که به طور کامل از ایشان رنگ می پذیرند، و از این روست که لغزش و اشتباه الگوهای اجتماعی غیر قابل چشم پوشی است. (دلشادتهرانی، ۱۳۹۳).

شاعری این حقیقت را در قالب نظم کشیده و چنین سروده است: ای عالم! از هر لغزشی بیرهیز و از اشتباه دوری گزین، زیرا اشتباه چون تویی، بزرگ و غیرقابل اغماض است. لغزش و خطای یک عالم، آنچنان عظیم و بزرگ است که اگر دچار آن گردد، در میان مردم ضرب المثل و رایج می شود. مردم به لغزش عالم تکیه می کنند و هرگونه خطا و لغزش خود را به لغزش عالم استناد می نمایند. عالم مانند نمک و ماده ای است که هرگونه تعفن و فساد را برطرف می سازد، و اگر درخود نمک فساد را یابد، هیچ عامل دیگری نمی تواند آن را اصلاح کند. (دلشادتهرانی، ۱۳۹۳).

پس از والدین، شخصیت هایی که دارای نفوذ معنوی اند (مربیان و علماء)، نقش الگویی بسزایی در تربیت بازی می کنند، به گونه ای که تمام ویژگی های فکری و روحی و جلوه های رفتاری آنان مورد تقلید قرار می گیرد، هر چه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه پذیرش آماده تر باشد، نمونه برداری کامل تر صورت می گیرد. از امیرمؤمنان علی علیه السلام (ع) روایت شده است که فرمود: مردم به زمامداران خود شبیه ترند تا به پدران خود به همین دلیل است، که نقش الگوها حساس ترین نقش تربیتی است تا جایی که الگوهای صالح، مردم را به صلاح می رسانند، و الگوهای فاسد مردم را به فساد می کشانند. امیر مؤمنان (ع) فرموده است: (لغزش عالم همچون شکست شدن کشتی است که غرق می شود و گروهی را نیز باخود غرق می سازد). در هر جامعه ای الگوهای تربیتی نقش اصلی را در صلاح و فساد جامعه بازی می کنند و هیچ چیز مانند انحرف الگوها، انسان ها و جوامع را به تباهی نمی کشاند. سخنورانی امیر مؤمنان، علی (ع) در این باره سخنی جامع است: لغزش عالم عالمها را به فساد می کشاند. بنابراین الگوهای پاک و بافضیلت، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد می کنند. و الگوهای ناپاک و بی فضیلت، جوامع را به سوی ناپاکی و رذایل برمی انگیزند. آن همه تأکیدی که بر نقش الگوها شده است بدین خاطر است. الگوها چون مقبول واقع شوند، دیگران را نیز مطابق خود می سازند، چنانکه رهبرانی که استادی داشته باشند، جان شاگردش بدان هنر متصف می شود. هر هنر که استاد بدان معروف شد جان شاگردش بدان موصوف شد. پیش استاد اصولی هم اصول خواند، آن شاگرد چست با حصول پیش استاد فقیه فقه خوان، فقه خواند. نه اصول اندر بیان پیش استادی کاو نحوی بود، جان شاگردش ازو نحوی شود باز استادی که او محور است جان شاگردش ازو محوشه است. (دلشادتهرانی، ۱۳۹۳).

در مدرسه فرزندان محبت را تجربه می کنند. معلم با محبت و توجه آنان را در مسیر صحیح هدایت می کند. دانش آموز در مدرسه چگونگی برقراری روابط درست عاطفی سازگاری با دیگران و مسئولیت پذیری را می آموزد و راه های مبارزه با کینه توزی، دیگر آزاری و حسادت را یاد می گیرد. تحقیقات متفاوتی که در این زمینه انجام شده نشان می دهد، رفتار کودکان دبستانی بستگی بسیار با رفتار معلمان آن ها دارد و چنان چه معلمی روش محبت آمیز همراه با انضباط منطقی را در کلاس خود به کار برد از همکاری، علاقه مندی و قدرت ابتکار شاگردانش بهره مند می شود. نقش الگویی معلم و نفوذی که او در انضباط دادن به رفتارهای دانش آموزان دارد بر همگان روشن است از آنجا که دانش آموزان یکی از الگوهای مهم رفتاری خود را معلمان قرار می دهند اگر معلم از ویژگی الگو دهی خوبی برخوردار باشد می تواند تأثیرات عمیقی در رشد شخصیت و بهداشت روانی دانش آموزان باقی بگذارد. معلمی که الگوی تعاملی و متعادل می باشد و دانش آموز برقرار می کند و در این ارتباط به شخصیت و نیازهای دانش آموزان توجه کافی دارد و کارها را براساس استعداد و تمایلات میان شاگردان تقسیم می کند که چنین معلمی نقش بهتری را در بهداشت روانی دانش آموزان ایفا خواهد کرد. (دادویی دریکنده ای، ۱۳۹۰). معلمین آموزش و پرورش اگر خودشان یک پرورش صحیح نداشته باشند و یک تعلیم صحیح، نمی توانند جوانها را تعلیم کنند و آموزش بدهند و پرورش بدهند. مبدأ هر امری از خود آدم شروع می شود. پیغمبر هم وقتی که تشریف آوردند، از خودشان، خودشان کامل بودند، از منزل خودشان شروع کردند. حضرت خدیجه را دعوت کردند، او هم قبول کرد. امیر المؤمنین سلام الله علیه بچه بود آن وقت، دعوت را قبول کرد. قوم و خویش های خودشان را جمع کردند و فرمودند که یک همچو مسأله ای است.

یک دسته ای قبول کردند، یک دسته ای قبول نکردند. از خودش انسان باید شروع کند. منی که می خواهم بگویم شما فلان کار را نکنید، فلان کار را نکنید، اگر خودم فاسد باشم، این حرفم هیچ تأثیری هم ندارد. شما آقایان اول باید خودتان را اصلاح کنید، و امید است که اصلاح بکنید. و همه ما، در این صدد باشیم تا بتوانید جامعه را اصلاح بکنید. (صحیفه امام خمینی (ره) جلد ۱۲ صفحه ۲۴۹)

#### - علت اصلی کم رنگ شدن شأن و منزلت اجتماعی معلمان در جامعه:

علت اصلی کاهش پیدا کردن منزلت و شأن خاص اجتماعی معلم در جامعه ما این موضوع است که نظام آموزشی ما، نظام وارداتی است و بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی و استوار نمی باشد. به همین دلیل بسیاری از چالش ها، کاستی ها و مسائلی که آموزش و پرورش ما با آن دست و پنجه نرم می کند، ریشه در مبانی نظری این نظام دارد. زیرا این مبانی با اعتقادات، باورها، انتظارات و فرهنگ مردم مؤمن و خدا جوی ما همخوانی ندارد. این ناهمخوانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی خودنمایی فزونی کرد و به رغم تلاش قابل تقدیر و زحمات تحسین برانگیز مسئولان، مدیران و معلمان عزیز در جای جای این مرز و بوم در دهه های پس از انقلاب اسلامی، این کاستی هنوز به قوت خود باقی است و بر تمامی سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها، فرایندها و روندها سایه افکنده است. مدارس ما از کاستی های نرم افزاری و سخت افزاری فراوانی رنج می برند و کارایی و اثربخشی آنها کاهش فراوان یافته است. معلمان در تحقق رسالت خطیر خویش و تربیت متربیان مؤمن، خلاق، فعال، توانمند با مشکلات متعدد روبرو هستند (صحبت های دکتر بابایی سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). بنابراین با استناد به سند تحول بنیادین به علت فرهنگ آموزشی وارداتی که بر مبانی نظری دین اسلام استوار نیست مشکلاتی را همچون عدم احراز صلاحیت و شایستگی معلمان، فرهنگ سازی نا مناسب رسانه ها و نگرش نادرست مسئولین اجرایی کشور به شان مقدس معلمان را، در جامعه به وجود می آورد و بر منزلت خاص اجتماعی آنان تأثیر منفی می گذارد.

#### - سه راهکار اساسی برای قدرتمند کردن شأن اجتماعی معلم در ایران اسلامی:

##### راهکار اول احراز صلاحیت و شایستگی معلم

کسی که می خواهد عهده دار منصب تعلیم گردد و به عنوان یک الگوی اجتماعی شان و جایگاه خود را در جامعه تثبیت کند، باید قبلاً مراتب صلاحیت و شایستگی خویش را برای تصدی چنین مقامی در خود فراهم آورد. و باید این شایستگی، در تمام مظاهر وجود او پدیدار باشد، یعنی سیما و چهره و طرز سخن گفتن و گفتارش، نمایانگر اهلیت و شایستگی او برای احراز مقام تعلیم بوده، و اساتید صالح وی نیز صلاحیت او را تأیید و گواهی کنند. در حدیثی مشهور، چنین آمده است: که (رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود): اگر کسی با تکلف، نسبت به چیزی اظهار بی نیازی کند که به او داده نشده است و به دارایی اظهار نماید، و خویشتن را بیش از اندازه بیاراید و بالیدن آغاز کند، به مانند کسی است که دوجامه دروغین و فریبا را در بر می نمایند، جامه ای که لازم نبوده و متناسب با او نمی باشد. (حجتی، ۱۳۹۴).

تربیت نفس خودسازی از حیث رتبی و زمانی بر تربیت و ساختن نفوس دیگران تقدم دارد. فلسفه تربیتی اسلام، ناظر به تعالی فرد و جامعه است، لیکن اولی را مقدم و اولی بر دوم تلقی می کند چنانچه آدمی قادر به سلطه بر خویشتن شود، در پرورش دیگران نیز توفیق خواهد یافت یکی از فرمایش های حضرت علی علیه السلام ناظر به همین معناس: هر کس که خود را در منصب پیشوایی هدایت مردم قرار می دهد، باید بیش از آنکه به تربیت دیگران اهتمام ورزد، در تأدیب نفس خویش همت گمارد و کسی که ابتداء تعلیم نفس خود، قبل از تأدیب دیگران، ببردازد، بیشتر سزاوار تجلیل و تکریم است، نسبت به کسی که فقط به تعلیم دیگران اشتغال دارد بی تردید مربیانی که قادر به خودسازی و تعالی خود باشند، در ساختن جامعه ای متعالی و پیشرو توانا هستند و در جلب اعتماد دیگران از موفقیت چشمگیری برخوردارند. تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید، آدمی که خودش آدم صحیحی نیست، نمی تواند

دیگران را تصحیح کند، هر چه آدم هم بگوید، فایده ندارد، کوشش کنند علمایی که الان در حوزه ها هستند، در هر حوزه ای از حوزه های اسلامی که این جوانها که، با یک فطرت سالم می آید، بعد از ده بیست سال با یک فطرت فاسد بیرون نروند، تهذیب لازم است. (شرفی، ۱۳۹۷).

کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت قرار می دهد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب او به عملش پیش از تأدیب او به زبانش باشد. کسی که معلم و ادب کننده خویش است، به احترام سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی دیگران است. امام علی علیه السلام در این کلام، دو مطلب اساسی را در موضوع تربیت بیان فرموده اند: (مطلب اول: مربی و معلم باید قبلاً خودش دانش آموخته و تربیت شده باشد، آن گاه مربی و معلم دیگران شود. سخن گفتن و خطابه و وعظ بدون آگاهی به جز انحراف و اضلال و گمراهی نتیجه ای ندارد. مطلب دوم: مربی باید با عمل خود دیگران را تربیت و هدایت نماید. گفتار بدون عمل نه تنها موجب هدایت نمی شود، بلکه گاهی ممکن است موجب سلب اعتماد و گمراهی شخص گردد.) امام صادق علیه السلام می فرمایند: (اگر عالم به علم خویش عمل نکند، پند و اندرز در دل های شنوندگان فرو نمی رود، همان گونه که باران درسنگ صاف فرو نمی رود. بنابراین شخصی که به تربیت خود بپردازد، بیشتر شایسته احترام است از کسی که به تربیت مردم پرداخته و از خود غافل است، اما شخصی که هم خودسازی کرده و هم مردم را تربیت می کند، مسلماً برتر است از کسی که تنها گلیم خود را از آب می کشد) (شرفی، ۱۳۹۷).

معلم موفق، امام و رهبر و الگوی دیگران است، لذا اعمال او بسیار تأثیرگذار است و باید در همه کارها پیشگام باشد و قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازد. چنانکه امیرالمؤمنین فرمودند (بر هر کس که خود را امام و پیشوا قرار داده، لازم است که قبل از تعلیم دیگران خود را آموزش بدهد و تأدیب او به رفتارش باشد، قبل از آنکه به زبانش باشد). تقید به احکام الهی و مسائل معنوی، پیش دستی در سلام کردن، رعایت نظم، تواضع، احترام به پیشکسوتان تعلیم و تربیت، پرهیز از خودستایی و... بر دانشجو و متعلم تأثیر میگذارد؛ آنگونه که رفتار و گفتار منفی معلم، تأثیر سوء خواهد گذشت. (قرائتی، ۱۳۹۷).

### راهکار دوم تغییر و تحول مبانی نظری فرهنگ جامعه و انتخاب صحیح افراد مؤثر در نظام تعلیم و تربیت

همانطور که گفته شد فرهنگ آموزشی وارداتی که مبتنی بر بینش و نگرش اسلامی نیست جایگاه اجتماعی معلمان را در نظر نمی گیرد امام خمینی (ره) بر این عقیده است که برای رفع این مشکل در مرحله اول باید فرهنگ مستقل و کار آمد داخلی را ایجاد کنیم و در مرحله دوم باید اشخاص صحیح و سالم در مراکز تعلیم و تربیت انتخاب بشوند. رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) در این باره می فرمایند: یک فرهنگ مستقل و انسانی باید در این سال جدید عنایت زیاد بشود، اول به فرهنگ. این فرهنگ باید متحول بشود. فرهنگ استعماری فرهنگ استقلالی بشود. باید معلمینی که در این فرهنگ یا در تمام قشرهای اساتید و عرض می کنم اینها باشد انتخاب بشوند و اشخاص صحیح، سالم، کسانی که جوانهای ما را تربیت صحیح بکنند نه اینکه یک تربیت انگلی بکنند، چنانچه تا حالا بنا بر این بوده است که اینها را غربی بار بیاورند، غرب زده کنند. باید استقلال داشته باشید، باید هیچ توجه نداشته باشید که در غرب چه می گذرد. در غرب خیلی بد می گذرد! شما گمان نکنید که در غرب خیلی خبر هست، خودشان می گویند «در غرب خبری نیست!» خبرها هست لکن خبرهای رشد فکری و رشد انسانی کم است. شما باید مستقل باشید و رشد انسانی پیدا بکنید. بچه ها را، جوانهای ما را رشد انسانی بدهید. دولت باید درست توجه بکند که رؤسایی را که انتخاب می کند برای دانشگاهها، برای مدارس، معلمینی را که انتخاب می کنند آنها برای تربیت اطفال، اینها باید همه متحول بشود از حال سابق، و کسانی که سابق در خدمت اشخاص بیگانه بودند یا در خدمت طاغوت بودند، حالا ثانیاً نیایند و بچه های ما را باز به عقب برانند. این هم یک مطلبی است که در فرهنگ بسیار مهم است. و بالاخره باید فرهنگ متحول بشود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل، و یک فرهنگ انسانی (صحیفه امام خمینی (ره) جلد ۶، صفحه ۳۹۶)

### راهکار سوم فرهنگ سازی رسانه ها و تغییر نگرش دستگاه های اجرایی کشور به جایگاه اجتماعی معلم

نحوه فرهنگ سازی و نگرش مسولان آموزش و پرورش بر کیفیت منزلت اجتماعی معلمان تاثیر گذار است و این دو با یکدیگر رابطه مستقیم دارند با عنایت به سخنان رهبر معظم انقلاب امام خامنه ای در اجلاس سالیانه رؤسا و مدیران آموزش و پرورش



ایشان معلمان را عناصر تعیین کننده در دستگاه عظیم فرهنگی آموزش و پرورش می دانند و با تأکید بر لزوم صیانت از شأن و نقش معلمان می فرمایند: معلمان به معنای واقعی افسران سپاه پیشرفت کشور هستند و حفظ شأن و جایگاه معلم در درجه اول به عهده خود آنان است و هر معلمی باید این احساس را داشته باشد که او آینده ساز است همچنین حضرت آیت الله خامنه ای بیان می کنند: آموزش و پرورش نیز باید از شأن و جایگاه معلمان حمایت کند و این هدف باید با کمک مجلس و دستگاه های مرتبط همچون سازمان برنامه و بودجه محقق شود ایشان تأکید می کنند: نگاه به آموزش و پرورش باید نگاه به یک دستگاه زیربنایی باشد نه مصرفی، و هزینه کردن در آموزش و پرورش همچون سرمایه گذاری در مسائل زیربنایی در نظر گرفته شود رهبر انقلاب اسلامی، فرهنگ سازی برای ترویج احترام و اکرام معلمان در جامعه را عامل سوم در صیانت از جایگاه و شأن این قشر مهم و تأثیرگذار می دانند. و در نهایت دستگاه های فرهنگی به ویژه صداوسیما در این زمینه نقش بسیار مهمی دارند و باید این کار لازم را به صورت مستمر و هنرمندانه انجام دهند. (سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای در اجلاس سالیانه رؤسا و مدیران آموزش و پرورش (۱۳۹۹/۰۶/۱۱))

### بحث و نتیجه گیری

در هر کشوری، آموزش و پرورش رکن و پایه اصلی آموزشی و بخش های دیگر جامعه محسوب می شود و در رأس این هرم معلمان قرار می گیرند در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و مرز نمی شناسد تعلیم و تربیت، از اهداف الهی و مقدس دین اسلام است و خداوند این موهبت را به پیامبران و اولیای خویش ارزانی فرموده است تا بشر را در مسیر هدایت الهی قرار دهند. انسان نیز با قبول کردن این مسئولیت خطیر، نام خود را در قالب واژه مقدس معلم ثبت می کند. نتیجه می گیریم که معلم در مسیر ارزش ها گام بر می دارد و جایگاه اجتماعی او در جامعه همانند اولیای خداوند، الهی است. در حقیقت معلم فرزندان معنوی پرورش می دهد و این با ارزش ترین خدمت معلمین همانند اولیای الهی به ایران اسلامی باشد. قدرت گرفتن شأن اجتماعی معلمان متکی به تغییر و تحولات در دو حوزه فردی و اجتماعی است. در حوزه فردی: توقع اصلاح و ساختار جامعه بدون اصلاح معلمان و مربیان امکان پذیر نیست اگر به دنبال تحول و تغییر نگرش ها به جایگاه اجتماعی معلم هستیم باید قبل از تعلیم و تربیت دیگران پاکسازی و خود سازی را از خود شروع کنیم و عقاید و اخلاق خودمان را مطابق با آموزه ها و عقاید دین مبین اسلام، آیات و روایات انبیاء و مکتب الهی قرآن تطبیق دهیم. آنگاه به تربیت اخلاقی و اصلاح جامعه بپردازیم و احساس مسئولیت اخلاقی را در دانش آموزان خود ایجاد کنیم. و آنها را به عنوان فردی متعهد به جامعه اسلامی تحویل دهیم. در حوزه اجتماعی: وظیفه دستگاه اجرایی کشور به منظور تغییر و تحول مبانی نظری فرهنگ جامعه این است که اصلاح مبانی نظری فرهنگ را دستور کار خود قرار دهند. مردم ایران اسلامی در معقوله تعلیم و تربیت لایق فرهنگی مبتنی بر نظام استوار و انسان ساز دین اسلام هستند. اگر فرهنگ جامعه اصلاح شود، نگرش ها به جایگاه الهی معلمان نیز تغییر پیدا خواهد کرد به منظور انتخاب صحیح افراد مؤثر در نظام تعلیم و تربیت باید در فرایند جذب و گزینش معلمان دقت شود و وظیفه معلم این است که مجهز به دو علم آموزش و روانشناسی باشد تا بتواند رفتارهای فردی دانش آموزان را شناخته و آموزش را بر این اصول اجرایی کند. فرهنگ سازی رسانه ها بر منزلت اجتماعی معلمان نیز بسیار تأثیر گذار است. چنانچه ارزش و اعتبار واقعی معلم در رسانه های گروهی منعکس نشود او نمی تواند در انتقال ارزش ها و کمک به رشد همه جانبه دانش آموزان به طور موثرتری عمل کند. معلمی که می خواهد عامل انتقال دهنده ارزش های فرهنگی و علوم و فنون مختلف به دانش آموزان و حتی شکل دهنده افکار و ایده آل های آنها باشد باید تمایزات جدی با سایر اقشار و گروه ها داشته باشد تا بتواند جایگاه و اعتبار برجسته در جامعه پیدا کند. و در نهایت به منظور تغییر نگرش دستگاه های اجرایی کشور به جایگاه اجتماعی معلمان، مسئولین آموزش و پرورش باید به معیشت مادی و معنوی، منزلت و هویت معلمان توجه کنند. حل مسئله معیشت معلمان که از مطالبات حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان متعددشان بوده است، یکی از مهم ترین مسائل برای



افزایش شأن معلمان است. باز کردن گره مشکلات معیشتی معلمان نیز تنها با افزایش چند درصدی حقوق محقق نخواهد شد و نیازمند سامان دادن به اقتصاد آموزش و پرورش و اختصاص تسهیلات و ساخت امکانات رفاهی در شان مقام معلمان است. لذا اقتضاء می کند که به معلم و وظیفه خطیر او در جمهوری اسلامی ایران با بصیرت و اعتبار و ارزش ویژه ای نگریسته شود. بنابراین در ایران اسلامی نگاه مسئولین و مردم به فرهنگیان کشور باید بر اساس سرمایه گذاری باشد و از توان علمی و مشاوره ای قشر معلمان برای اصلاح ساختار جامعه استفاده شود.

## منابع

- [۱] (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران آذرماه، ۱۳۹۰).
- [۲] (دلشاد تهرانی، مصطفی ۱۳۹۳، سیری در تربیت اسلامی، ناشر: انتشارات دریا چاپ پانزدهم)
- [۳] ((اسدی گرمارودی اسد الله، شریف زاده علی، زیر نظر حمیدرضا حاجی بابایی، ۱۳۹۳)) دانشگاه فرهنگیان قل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (واقع نگاری تأسیس)، تهران، مؤسسه فرهنگی برهان، ناشر: انتشارات مدرسه، چاپ اول)
- [۴] (حجتی، سید محمد باقر ۱۳۹۴، آداب تعلیم و تربیت در اسلام، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ سی و ششم)
- [۵] (گیدنز، آنتونی ۱۳۸۷، جامعه شناسی آنتونی گیدنز با همکاری کارن بردسال، ترجمه: حسین چاوشیان، ناشر: تهران نشرنی چاپ دوم)
- [۶] (شرفی، محمدرضا ۱۳۹۷، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه ناشر: دانشگاه تهران، چاپ اول)
- [۷] (دادویی دریکنده ای، سلمان، ۱۳۹۰، راه آفتاب ناشر: فرهنگسرای زبان، چاپ اول)
- [۸] (قرائتی، محسن، ۱۳۹۷، مهارت های معلمی ناشر: مؤسسه فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ چهارم)
- [۹] (پروین سالاری، موحده محمدرضایی ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، بررسی منزلت اجتماعی معلمان، محل انتشار: دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی)
- [۱۰] (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵ آداب تعلیم و تربیت در اسلام، ناشر: صدرا، چاپ بیست و هفتم)
- [۱۱] (گوتهک، جرالدا ۱۳۹۵، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی ترجمه: دکتر محمدجعفر پاک سرشت ناشر: انتشارات سمت چاپ شانزدهم)
- [۱۲] (عباس پورجانی، محمدرضا طالبان، روح الله خمینی، ۱۳۸۶. افشار اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره) ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ: دوم)
- [۱۳] (سخنرانی رهبرانقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای در اجلاس سالیانه رؤسا و مدیران آموزش و پرورش ۱۳۹۹/۰۶/۱۱)
- [۱۴] (صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۷، ص: ۴۲۹-۴۲۷)
- [۱۵] (صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۲، صفحه ۲۴۹)
- [۱۶] (صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۶، صفحه ۳۹۶)